

به نام
پروردگار
یکتا

GARETH BALE

پسری که کهکشانی شد

تام اولدفیلد



ترجمه
ماشاله صفری



گرت بیل: پسری که کهکشانی شد

تام اولدفیلد

ماشاله صفری



چاپ: نقره آبی

صحافی: الفبا

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۶

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۴۸-۸۷-۸

نقل نوشته‌ها بدون مجوز رسمی از ناشر مجاز نمی‌باشد.

سرشناسه: اولدفیلد، تام Oldfield, Tom

عنوان و نام پدیدآور: گرت بیل، پسری که کهکشانی شد / تام اولدفیلد ، [مت اولدفیلد]:

[مترجم] ماشاله صفری.

مشخصات نشر: تهران: گلگشت، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ج۱. (بدون شماره‌گذاری) : ۱۴×۵/۲۱ س.م.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۴۸-۸۷-۸ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی : Gareth Bale : the boy who became a

Galáctico, ۲۰۱۵.

رده بندی کنگره: ۷۹۴۲/GV۹۶۷/۱۳۹۶۷ الف ب/پ

رده بندی دیویی: ۷۹۶/۳۳۴۰۹۲ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۶۴۲۱۹

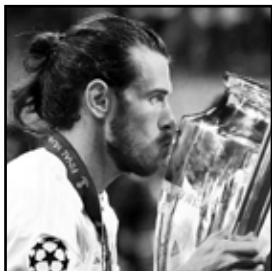
فکس: {+۹۸۲۱} ۴۳۸۵۲۹۳۳

تلفن: {+۹۸۲۱} ۳۳۹۸۲۸۸۸

{+۹۸} ۹۲۱۳۹۰۲۲۵۰

www.goalgasht.ir





مقدمه

کهکشانی جدید

۲ سپتامبر ۲۰۱۳

«بازیکن جدید رئال مادرید، گرت بیل!»

زمانی که نامش را صدا کردند، استادبوم دیوانه شد. هزاران هوادار دست می‌زدند، بالا پایین می‌پریدند و نام‌اش را فریاد می‌زدند «بیل! بیل! بیل!». نامی که حالا، بیشتر آنها پیراهن‌اش را بر تن داشتند. گرت باور نمی‌کرد، حتی بازی اول‌اش هم نبود. دورن زمین نبود و از کناره‌ها دفاع حریف را شخم نمی‌زد. اما پیراهن مادرید را بر تن داشت و می‌توانست حدس بزند جو ورزشگاه در روزهای بازی چقدر فوق‌العاده است. وقتی قدم روی سن گذاشت، نفس عمیقی کشید و با خودش گفت: «آروم باش... آروم باش...» دیگر آن پسر بچه خجالتی نبود، اما هنوز به این حجم از توجه عادت نکرده بود.

هیجانی که تمام وجودش را فرا گرفته بود هم نتوانست مانع لبخند درشتی روی صورت‌اش

شود. همین جا بود: بزرگترین باشگاه جهان و خانه‌ی کهکشانی‌ها، بزرگترین ستارگان دنیای فوتبال: لوئیز فیگو، رونالدو، رائول، دیوید بکام، کریستیانو رونالدو... و حالا گرت بیل. زمانی که بچه بود، کنار پدرش روی سکوه‌ای زمین محل‌شان، نینیان پارک^۱ می‌نشست و بازی دایمی کریس را تماشا می‌کرد، وانمود می‌کرد که این سانتیاگو برنابئوی بزرگ است و آن تیم محلی شهرِ کاردیف، رئال مادرید افسانه‌ای. حالا رویایش را زندگی می‌کرد و این بار، گرت به جای دایمی‌اش ستاره بود.

در حالی که به میکروفون نزدیک می‌شد، گرت برای هواداران و کسانی که عاشق‌شان بود دست تکان داد. حضور آنها در این روز بزرگ برایش یک دنیا ارزش داشت: مادرش دبی^۲ و پدرش فرانک، پدر بزرگ‌اش دنیس، خواهر بزرگ‌اش ویکي، بهترین دوست‌اش الیس^۳ و البته همسرش اما^۴ و دختر زیبای کوچک‌شان، آلبا. می‌دانست بدون حمایت آنها، هرگز به اینجا نمی‌رسید.

وقتی همه چیز کمی آرام تر شد، گرت شروع کرد و اولین کلمات اسپانیایی که بعد از چند روز تمرین یادگرفته بود بر زبان آورد: «این رویای من است که برای مادرید بازی کنم. برای این خوشامد گویی باشکوه از شما ممنونم. زنده باد مادرید!» صدای جمعیت باور نکردنی بود، آنقدر بلند که مجبور شد سکوت کند.

و بعد لحظه‌ای رسید که همه منتظرش بودند، مخصوصاً گرت. بارها آن را تصور کرده بود اما این بار همه چیز واقعی بود. رئیس رئال مادرید، پیراهن سفید معروف رئال را با نام او در دست گرفته بود: «بیل». دوربین‌ها فلش زدند و جمعیت باریک‌تر به صدا درآمد. حالا یک کهکشانی بود - گران‌ترین آنها - پس دیگر پیراهن قدیمی شماره ۳ برایش مناسب نبود، پیراهن فصل قبل‌اش در تاتنهام، حالا شماره‌اش ۱۱ بود، شماره‌ی قهرمان دوران کودکی‌اش، بال چپ جادویی منچستر یونایتد، رایان گیگز^۵.

مایکل اوون^۶ هم سال ۲۰۰۴ پیراهن شماره ۱۱ مادرید را برتن کرد، و آریین روبین در ۲۰۰۷.

Ninian Park-۱

Debyy-۲

Ellis-۳

Emma-۴

Ryan Giggs-۵

Michael Owen-۶

گرت از این که جا پای آنها می گذاشت افتخار می کرد. به اتفاقات اطرافش نگاه می کرد اما نمی توانست برای بزرگترین چالش زندگی اش صبر کند. گران قیمت ترین بازیکن جهان بود و پیوستن به کریستیانو رونالدو، یکی از بزرگترین های دوران فشار زیادی روی شانه های بیل گذاشته بود.

درحالی که روی چمن برنابئو روپایی می زد، به یاد روزهای کودکی اش در کادلاین پارک افتاد. به عنوان نوجوان ولزی بسیار سریع، خانواده و مربیانش امید زیادی به آینده اش داشتند اما هیچ کس فکر چنین روزی را هم نمی کرد. در ساوتهمپتون و تاتنهام روزهای سختی بودند که به نظر می رسید آسیب دیدگی ها رویای کودکی گرت را نابود خواهند کرد. اما اژدهای ولزی، جنگید و به آسمان صعود کرد.

Z

